

مترجم کتاب به ناشر بدهکار هم شد!

درباره سوءاستفاده برخی ناشران و نادیده گرفتن حقوق مؤلف / مترجم

در باره بی توجهی ناشران به حقوق مؤلفان / مترجمانی که با آن از همکاری می کنند گاه حرف و حدیث هایی شنیده می شود. این بی توجهی یا شاید سوء استفاده، از ناشران مبتدی و گمانا بیشتر منتظمی و دود و دلا پیش می آید. توانمند حرفه ای نبودن این ناشران یا نا آگاهی مؤلف / مترجم به حقوق خود یا وضعیت ناسامان اقتصاد نشر باشد. اما متأسفانه گاهی حرف و حدیث ها درباره ناشران و سرشناس و حرفه ای هم به گوش می رسد. یکی از تازه ترین ها حسین عباسی بازار نشر، مجله‌های مجزای ایران مربوط به چاپ مجله موضوع است. چندمهمدی هانف، مترجم کتاب های چوب از پل تامپسون و راس اشپز و مدرس دانشگاه و دارای مدرک دکتري فلسفه علم از مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، در این فرسته که در صفحه اینستاگرام خود منتشر ساخته، نکاتی را درباره برخورد غیر حرفه ای نشر نی مطرح کرده است. او عنوان نوشته خود را «درباره هنر چاپیدن مترجم» گذاشته و در آن بیان کرده است: «نوشته ما هشت از چاپ ترجمه ام کتاب «پیشرفت علم و مسائل آن» نوشته لری لادون می گذرد، بدون آنکه از حق مترجم محروم شود. با نشر نی تماس گرفتم که ببینم آیا اصل پرداختی در کار هست یا نه! به توضیح امور مالی نشر، حق مترجم این کتاب در چاپ اول حدود ۱۰ میلیون است. که یک تومان آن پای قرارداد پرداخت شده. می ماند ۹ تومان. اما این مبلغ رار نیست پرداخت بشود. به دانی نشر، ویراستاری کسر حدود ۱۴ میلیون هزینه برداشته. یعنی بیشتر از حق مترجم! شاید پرسید چرا اصل حق ویراستار چه ربطی به مترجم دارد؟ در قرارداد بندی هست که می گوید «در صورتی که هزینه ویرایش از حداکثر ۷۰ درصد مجموع قیمت فروش در اثر اولیه نوبت نشر اثر تجاوز کند، مابه التفاوت هزینه ویرایش نشر می گردد» و این را می گویند است. گانه است، مسئول مالی نشر می فرماید «شما الا ن به ناشر بدهکار هستید، که در چاپ دوم از حقوقتان کسر خواهد شد». دقت می فرمایید، کتابی را در حوزه تخصصی ام ترجمه کردم. مترجم باندی هم نیستیم. به ناشر گمانه می ندادام. ترجمه هم ارزایی و بدرفته شد. با این حال در پایان چاپ اول نتنها در سود کتاب شریک نیستیم، که به ناشر بدهکارم. به این دلیل ساده که صلاح دیده پول ویراستاری ادعا شده و از جیب مترجم بدهد. فقط هم ن نیستیم. از دو دوست دیگر هم پرسیدم، سبهم آن را در فروش کتاب در چاپ اول همان یک میلیون تومان دادم. تازه اگر بدهکار نباشد! از صحبت با مدیر نشر گفتیم نوشتند که اشتید که پول کاغذ و صفحه بندی مکرر ایشان بر قرارداد و فلسفه اضافی آن به عنوان متنی مدنی گرفته. این را هم گفتیم که شما اولین ناشر هستید که با آن کار کردیم. نه من گفتنا مترجمی هستین که قشش را خواهد دید. بله. شما خوب بلیدی چطور پشت کلمات کمین کنید و دعای حقوقی را برید. ایراد از من ناشی است که دسترنج چندین ما کارم که خودش نمره سال ها تحصیل و تحقیق را، به پایه اعتماد و احترام به ناشری تحویل دادم که از نوجوانی می شناختیمش. گفتیم به محیله ما هم خورن نمی کرد نشر نی همین شش دناغ از حق مترجم را هم دریغ کند. حالا فهمیدم آن را دریغ می کند که هیچ، بدهکارت هم می کند (معدل است) با اینکه «طلیکار هم است». بله. [...] پیش تر تصور می کردم [...] چیزی که از فروش کتاب نصیب می شود. حالا معلوم شد پدیدهای به نام نشر نی وجود دارد که برای امود چیزک هم کیسه دوخته است.»

ایران؛ ابر قدرت تاریخ

دومین کتاب از مجموعه «تاریخ ایران زمین» انتشارات ققنوس با نام «هخامنشیان، فرمانروایان جهان باستان» منتشر شد. به گزارش ایرنا، شاهنشاهی هخامنشی (۵۵۹ تا ۳۳۰ پیش از میلاد) جایگاه و پیروزی‌های در تاریخ ایران زمین دارد. در این دوره ایرانیان به اوج قدرت سیاسی و اقتصادی خود رسیدند و با شکوه تاریخی نمونه‌های معماری و زیارتی‌ات را هنر تاریخ ایران زمین را به وجود آوردند. در این دوره بود که ایرانیان نخستین بار بر قدرت بی‌رقیب جهان باستان شدند و بر قلمرو پهناوری که مساحتش بیش از هشت برابر ایران کنونی بود فرمانروایی کردند. هخامنشیان به زبان و فرهنگ و باورهای همه مردم قلمروشان احترام می‌گذاشتند و آن‌ها را در اجراء آداب و رسوم و آیین‌های دینی‌شان آزاد می‌گذاشتند. کوشش بر این بوده که کتاب‌های

این مجموعه برای آشنایی خوانندگان غیردانشگاهی با تاریخ و فرهنگ ایران بسنده باشد و هم‌زمان برای دوستداران جدید تاریخ ایران دریای آثاری تخصصی‌تر و جهان‌شموسانه‌ای را به‌ارزانی در اختیار شما قرار می‌دهد. کتاب «هخامنشیان»، فرمانروایان جهان باستان، نوشته محسن جعفری در ۱۲۸ صفحه مصور به چاپ رسیده است.

زین قندیار

علیرضا حیدری | مدرس و

- **ناپراسته ✖**
- القاصی مهر همچنین دستور داد تمام ابعاد این سرقت مسلحانه مورد بررسی و اتهامات متهمان ضمن تشکیل سریع پرونده قضایی تعیین، نسبت به تحقیقات دقیق مقدماتی اقدام پرونده جهت رسیدگی به مرجع قضایی مربوطه ارسال شود.
- **ویراسته ✔**
- القاصی مهر همچنین دستور داد ابعاد این سرقت مسلحانه بررسی و ضمن تشکیل سریع پرونده قضایی اتهام متهمان مشخص شود. تحقیقات دقیق مقدماتی نیز آغاز و پرونده برای رسیدگی به مرجع قضایی فرستاده شود.

نکته
متن اصلی چندین ایراد دارد که مهم ترین آن حذف فعل ها و در نتیجه برهم زدن استقلال جمله هاست که به درازنویسی انجامیده است.

#زین-قند-پارسی

۵شنبه
۱۹ مرداد ۱۴۰۲
۲۳ محرم ۱۴۴۵
شماره ۴۰۰۸

10 SHAH

فرهنگ و ادبیات

● همه با هم برای م

کار که به سخنرانی خبرنگاران رسید، اصحاب رسانه استان برای یک بار هم که شده به بیان دغدغه‌ها و مشکلات خودشان پرداختند. بیمه و امنیت شغلی و مسکن، سه‌مطلب اصلی نمایندگان رسانه‌های استان بود که استاندارد در صورتی‌نیز خود به آن‌ها پاسخ داد. او در ابتدا گفت: اعتماد عمومی در گرو این است که کار رسانه به‌عنوان یک امر به‌معروف و نهی از منکر مؤثر، به‌درستی انجام شود. باید همه این را در نظر داشته باشیم که شیوه انتشار مطالب و ایجاد فشار رسانه‌ای به‌گونه‌ای نباشد که جرئت تصمیم‌گیری را از مدیران سلب کند.

اگر بنا را بر اعتماد بگذاریم، به هم افزایی می‌رسیم. موضوعی رقم می‌خورد که مسئولان و خبرنگاران و شواهدش هم برای رفع مشکلات مردم ثابت کنند، نظری با بیان این مطلب افزود: جریان حاکمیت در مقام تصمیم‌گیری و جریان رسانه در مقام مدیریت قرار می‌گیرد، در عمل یک هدف مشترک دارند، اینکه برای مردم کار کنند که رسانه به میدان بیاید و تذکر بدهد. با این حال، خبرنگاران هم باید متعهد به اتحاد

عملی باشند و اوضاعی را ایجاد کنند که بتوان در آن با قاطعیت تصمیم گرفت و عمل کرد.

نظری با اشاره به دغدغه مشترک اصحاب رسانه استان در برابره مسکن تأکید کرد. برای خبرنگاران، مسکن، بهرنامهربانی شده تا مسکن آن‌ها از ۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار واحد مسکن جدید در گلبهار تأمین شود. با آمادگی داریم که به‌شروط پیگیری. این واحدها در اختیار شما قرار داده شود. اما مشروط بر اینکه فورم، برای همه متقاضیان نهضت ملی مسکن اعم از خبرنگار و غیر از آن، سبز و تأییدشده باشد.

خبر خوش استاندار خراسان رضوی برای اصحاب رسانه، آغاز اجرای طرح وادگاری این زمین‌ها، ساخت واحدهای مسکونی بود که در این همایش به صورت رسمی اعلام شد. نظری بیان کرد: «مدیرکل ارشاد استان در یک ضرب‌الاجل دو هفته‌ای، مسئولیت دارد فهرستی از خبرنگاران متقاضی را فراهم کند تا در قالب گروه‌های پنج نفره، به ازای دریافت زمین ار یا یک بنا متراژ مشخص بتوانند عملیات ساخت و ساز را تسهیل‌ات اداره کل راه و شهرسازی استان آغاز کنند.

او افزود: درباره موضوع های مطرح شده خبرنگاران و اصحاب رسانه هم مشکلی وجود ندارد و مسائلی از قبیل بیمه و امنیت شغلی، از جمله موضوع های حمایتی است که اداره کل ارشاد استان برای حل و فصل آن برنامه های خوبی را در دست اجرا دارد.

هنر تعامل با رسانه، کلیدواژه اصلی سخنان مدیرکل ارشاد استان در این همایش بود. حسین زاده با بیان اینکه مدیران استان با استفاده از ظرفیت بهتری می‌توانند برنامه‌های خود را تسهیل و کیفیت بهتری برای سرانجام ببرانند، تأکید کرد: با آوری در مقابل استفاده و ویژگی مهمی است که همه مدیران استان باید در خود ایجاد کنند. این حقیقت دارد که رسانه‌های مختلف در بزنگاه‌های مختلف، در استان، در بزنگاه‌های مختلف کار انقلاب بوده‌اند و اگر به جای این عناصر دلسوز و بی‌غش نباشد، رسانه‌های غیرمتمدن فعالیت داشتند، معلوم نمی‌شد چه سر استان می‌آمد.

او ادامه داد: اعتماد میان مدیران و اصحاب رسانه، یک ارتباط دوسویه است که هر دو طرف باید برای تحقق آن تلاش کنند. در تصمیم‌گیری‌هایی که قرار است افکار عمومی از آن‌ها مطلع شوند، همیشه بهترین مشاور

درباره رمان «طبل حلبی» مهم ترین رمان گوئتر گراس و اقتباس سینمایی آن

طَبالِ عَجیبِ شہرِ دانتِ سیگ



فولکر شلوندورف و گوتتر گراس در پشت صحنه فیلم «طبل حلبی»

را روی تخته خرد و خردتر کنند تا آب پیاز مرادشان را برآورد. می‌پرسید مرادشان چه بود؟ مرادشان همان بود که این دنیا با همه دردهای سیاهش برنیارده بود و آن جاری شدن اشک بود.^{۴۸}

بهترین فیلم کارنامه شلودنورف

گوته گراس هرچه پیشنهادی برای اقتباس از رمانش آمده بود، در کرت تا اینکه حدود بیست سال پس از انتشار «طبل حلیی» پیشنهاد کارگردانی را پذیرفت که چندان نامدار هم نبود. «طبل حلیی» نه تنها بهترین اثر نویسنده شد، بلکه شاخص ترین فیلم کارنامه فونکلر شلودنورف هم شد. اقتباسی درخشان که جایزه نخل طلای جشنواره فیلم کن سال ۱۹۷۹ را گرفت و برنده جایزه بهترین فیلم خارجی زبان اسکار سال ۱۹۸۰ شد. مانند رمان، فیلم هم کم‌دی سیاهی است با عناصری از نالیسم جادویی. در انتهای فیلم، امان شاکست خورده و هوا سب و آتشگیر وارد می شود، پذیرفته احتمالی اسکار کشته می شود و او در مراسم تشییع از طبالی انصراف می دهد و طبل را به داخل قبر پرت می کند. دوستش کوهی، سنگی به سر او می زند و رشش دوباره شروع می شود. امان را پس از این ماجرا هم داده دارد که فیلم ساز از ساخت آن چشم پوشی کرده است.

صلحیتان را بالا ببرید

گوشت گراس از این موجود شگفت و این

طبل پرده‌ها هو استفاده کرده

تا بی پرده آدم‌ها و جامعه و

اوضاع حاکم بر آن را نقد کند.

اوضاعی که خودش نیز در به

وجود آمدن آن سهیم بود.

چند تبلیغات و پروپاگاندا‌های

حکومت بی تأثیر نبود. گراس

معتقد است که نمی‌شود و

نیاید پشت توجیه‌هایی مانند

«فریب خوردن» پنهان شد و

طوق مسئولیت را از گردن باز

کرد: «ما خودمان، من خودم

گذاشتم فریبم دهند.» او تا

آخر عمر از سوگند و فساد سرد

به پیشوا، که در یک نسل در

این نکته اشاره کرده و نوشته است: «اقبال گراس به نویسندگان چون رابله و سروانتس و شیوه نگارش و فضای داستانی آن‌ها و به کار گرفتن اسطوره و افسانه و قابل و انتخاب آدم‌های گوشت و گورزاد و غمبادی و سگ و گرچه و موش همه از این رهگذر است. آدم‌های گراس اغلب مجنون و معیوب و علیل اند، اغلب دلگداز، اما از نیروی عجیب و شیطانی برخوردارند، از نیروی قهرمان‌سازی.»

جامعه و زمانه‌اش را روایت می‌کند. «طبل حلبی یک پرسش است. سندی رسواکننده از زندگی در غرب و آنچه یک فرد انسان برای در این قرن گذشته است [...] به یک تعبیر طبل حلبی زندگی انسان اروپایی است در نیمه اول این قرن و با همه تکلیف و به همین دلیل است که «طبل حلبی یک سند است، سندی رسواکننده.»^۳ او شاهد قدرت گرفتن نازی‌ها، آزار اقلیت‌ها، رفتار گلوکار مردم و سقوط تاباهی آن‌ها، کربل‌ها، کشتار و تجاوز انسان مسخ‌شده است. کربل‌ها در بخش درخشانی از زمان با عنوان «پیازانبار» تصویری ماندگار

از آن دوران داده است. پیا زانبار رستوران عجیبی است که در آن به جای غذا، یک تخته، یک کارد و یک پیاز و به شستری به کار می‌دهند: «اصلاً خوراکی نبود و این کار کسی گرسنه بودی می‌یاست به رستوران دیگری مثل فیشل برود نه به پیاز انبار. زیرا در پیاز انبار فقط پیاز خرد می‌شد. [...] ولی همانان شمو هودر، هم که چشمش می‌دارند چیزی نمی‌دیدند، یا دست کم دهی از آن‌ها چیزی نمی‌دیدند، این‌ها جلو چشممان را گرفته بود. البته نه از دردمندی دل‌هاشان، زیرا هیچ معلوم نیست که چون دل دردمند چشم هم اشک بار می‌شود. بعضی هرگز موفق نمی‌شوند حتی قطره اشکی پیدا کنند. خاصه طی این دهه و چند دهه اخیر. به دلیل است که قرن ما بعدها قرن خشک چشمان نام خواهد گرفت. گرچه همه جا درد بسیار است و درست به دلیل همین قحط اشک بود که کسانی که دستشان به دهانشان می‌رسید به پیاز انبار می‌رفتند و شسته‌ای به شکل خوک یا ماهی و یک کارد آبی که به هشتاد خانه یا نود و یک کارد و یک پیاز خرد می‌کرد در هر آشپزخانه‌ای پیدا می‌شود به قیمت دوازده مارک می‌گرفتند تا آن

خود خبرنگاران و مدیران رسانه‌های بومی هستند. اما متأسفانه باید اذعان کرد که برخی از مدیران ما در اوضاع کنونی با ظرفیت رسانه آشنا نیستند و این ضعف بنیادین وجود دارد که مدیران ما، رسانه‌ها را نمی‌شناسند.

به شهید الرضا(ع) غیرت بیشتری داشته باشید

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در انتهای سخنان خود تا در همه سخنرانی حاضر در همایش دعوت کرد تا در خبرهایی که به بازنامی چهره رسانه ای شهید الرضا(ع) مربوط می شود، غیرت و تعصب بیشتری داشته باشند. حسین زاده این گفتار را به نمونه هایی از تازش دشمن برای تحریک هویت رسانه ای شهید الرضا(ع) اشاره و تصریح کرد: مایه تألیف است که تعصب ما به شهر و استان کم است. این طور نمی شود که ما بدون قبلی مسئولیت، فقط به انعکاس نقاط ضعف و اخبار منفی بپردازیم و از پیشرفت ها چشم پوشی کنیم. رسانه ما باید خود را مسئول بداند و اینجاست که نقد متصفانه ضرورت پیدا می کند تا اگر هم گله و مطالبه ای مطرح می شود، راهکار دیگری برای رفع مشکل به همراه داشته باشیم.

زمستانی در هفده سالگی خورده بود، احساس عذاب می کرد و یک سؤال هیچ وقت یقه اش را رها نکرد: «آیا نمی توانستی همان موقع متوجه شوی چه اتفاقی دارد برایت می افتد؟»^۶

گراس دیوهنگام به جنگ اعزام شده و وقتی دربار
جنایت‌هم‌وطنانش حرف‌هایی سر زبان‌ها بود که به
کابوس‌های یک دیوانه شبیه بود تا واقعیت انسان در
دنیا می‌مدرن، اما او که تا حدودی آیدلولوژی زده شده
بود درست مانند آدم‌های دربار، در زمان‌ها و گنج بود
و قوه ادراکش مغشوش. احتمال گرفتن تصمیم‌های
احمقانه در بشری با چنین شرح حال بالایی رود: «من
آن قدر احمق بودم که باورم شد آلمانی‌ها هیچ کدام
از این کارهای زشت را انجام نداده‌اند. تبلیغات آن‌ها
بر من تأثیر گذاشته بود و من باورم نمی‌شد که آن‌ها
جنایت‌کار باشند، اما پس از محاکمه رهاکار نازی در
نورنبرگ متوجه همه چیز شدم.»^۷

«طبل حلبی و... دیگر آتش». هم تلاشی بود به امید آرمزش زمانه؛ دوران خامی و هم سعی ای برای ثبت و ترسیم آن صحنه: «کسانی که می خواهند موضوع را بی خطر جلوه دهند، می گویند آلمان را دوران آسایش فراگرفت. به طوری که انگار دسته ای آدم های شرور مردم بیچاره آلمان را فریب داده بودند. اما این درست نیست. من در کودکی شاهد بودم که چطور همه چیز در روز روشن اتفاق افتاد. این ها با شور و اشتیاق استقبال رفته اند. هر فرد. در این نمی توان شک کرد. تا آنجا که مربوط به جوانان می شود، می توان گفت که بسیاری از آن ها با شور و شوق در این ماجرا دست داشتند. در گذشته با نوشن «طبل حلبی» و اکنون یک بار دیگر پس از گذشت نیم قرن، با کتاب تازه ام [در حال کندن پوست پاپاز] قصد می کرده است که این شور و شوق و علل آن را بررسی کنم.»

می گویند آنچه یک بار اتفاق افتاده باز هم می تواند تکرار شود و گراس معتقد بود برای پیشگیری از فزاینده بالابردن صد الزامی است: «اگر شما واقعا بخواهید دوباره اتفاق افتادن چیزی مشابه آنچه پیش آمد جلوگیری کنید، باید صدای آنان را بلند کنید.»

منابع:

۱، ۲، ۹. نوشتن علیه دیوار، گفت و گوی courtesy of louisiana channel با گونتر گراس

۳. از مقدمه مترجم کارمان فانی پر ترجمه‌اش
از رمان «موش و گرگ» به، نوشته گونتر
گراس، نشر فرزان روز
۴. طبل حلبی، گونتر گراس، ترجمه
سروش حبیبی، انتشارات نیلوفر
۵. در حال کندن پوست پیاز، گونتر
گراس، ترجمه جاهد جهان‌شاهی،
انتشارات نگاه

گفت و گوی روزنامه فرانکفورتر
آلگماینه با گونتر گراس، ترجمه
سهراب برازش، روزنامه شرق
۷. پس لرزه‌های اعتراف تکان دهنده
گونتر گراس؛ خیلی دیر بود، آقای
نویسنده، دکتر امیر صدری، روزنامه
اعتماد

